

نقد و معرفی کتاب

نقد و معرفی کتاب مقدمه‌ای بر رویا شناسی تاریخی

زینب عیوضی^۱

کتاب مقدمه‌ای بر رویا شناسی تاریخی؛ مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه^۲ به قلم داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی، پیرامون پدیده رویابینی در دوره قاجار به نگارش درآمده است. این کتاب شامل یک مقدمه حدوداً پنجاه صفحه‌ای و صورت تصحیح شده دو رساله عصر قاجار، یعنی رساله منامیه و شرح رساله منامیه است. در پایان نیز شرح اعلام رساله منامیه آمده است.

مقدمه کتاب را می‌توان در حکم تک‌نگاری، با عنوان خواب و رویا در عصر ناصری نیز در نظر داشت؛ که سعی شده در قالب آن خواننده را با زمینه تاریخی نگارش رویاها و چگونگی انعکاس آن در منابع تاریخی و روزنامه‌های معاصرش آشنا کند.

رساله منامیه از ابوالقاسم راز شیرازی است که به قصد تعبیر خوابی که شیخ زین‌العابدین مجتهد مازندرانی در ارتباط با ناصرالدین شاه قاجار دیده، به رشته تحریر درآمده است. حدود سیزده یا چهارده سال بعد پسر و جانشین وی در طریقت ذهبیه، یعنی جلال‌الدین محمد مجدالاشراف، مقدمه و شرحی بر رساله منامیه می‌نویسد و تعبیر راز را به پیروزی ناصرالدین شاه بر شیخ عبیدالله کرد سنی مربوط می‌شمارد.

در ابتدای مقدمه، نویسندگان از توجه مورخان به خواب به مثابه یک قلمرو پژوهشی تازه در پرتو شکل‌گیری رویکردهای اجتماعی و فرهنگی به تاریخ یاد می‌کنند. به زعم نگارندگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ، گرایش اسناد و مدارک آرشیوی، دانشگاه تهران، eyvazi.zeynab@yahoo.com

۲. داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی، مقدمه‌ای بر رویا شناسی تاریخی؛ مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.

کتاب علاوه بر تازگی موضوع^۳ یعنی پدیده رویابینی در عصر قاجار، مفهوم جدیدی را نیز تولید کرده است:

«تعبیر خواب‌شناسی تعبیری است رایج و جاافتاده؛ اما ترکیب خواب‌شناسی تاریخی، تا جایی که ما می‌دانیم، نخستین بار در این پژوهش است که مطرح شده و به‌کار برده می‌شود. این تعبیر همانند دیگر نظایرش می‌تواند به دو معنی به‌کار رود: خواب‌شناسی تاریخی و تاریخ خواب‌شناختی. در اولی، خواب و در دومی، تاریخ موضوعیت و محوریت دارد. در اولی، خواب و خواب‌گزاری و نظریه‌های مربوطه با روش‌ها و رویکردها و ملاحظات تاریخی-تاریخ‌گرایانه - مورد پژوهش قرار می‌گیرد و در دومی، تاریخ بر پایه شواهد و روایات رویایی و ملاحظات خواب‌شناختی مورد بررسی و تامل واقع می‌شود.»^۴

به نظر می‌رسد نویسندگان در پی خلق مفهومی اند تا از این پس عنوان تحقیقات این‌چنینی را پوشش دهد. به تعبیری دیگر، سعی شده تا چارچوب مفهومی ساخته و ارائه شود و سپس با استفاده از آن، یک مورد تاریخی - که همان رساله‌منامیه باشد- بررسی شود و به این وسیله چارچوب ساخته‌شده در ورطه آزمایش قرار بگیرد.

داستان از این قرار است که خواب را شیخ زین‌العابدین در ۲۲ رمضان ۱۲۸۴ ه.ق در کربلا دیده و صورت ثبت شده آن را برای اطلاع به دربار ناصری فرستاده است، و سپس میرزا فرخ‌خان امین‌الدوله توسط پیکری به نام میرزا مهدی‌خان لشکر نویس شیرازی آن را برای راز می‌فرستد که او به طور مکتوب تعبیر کرده و نزد شاه بفرستد.^۵

۳. درباره پدیده رویابینی در عصر قاجار اگرچه پژوهش اساسی‌ای تاکنون انجام نیافته و کتاب رویاشناسی تاریخی اولین کار جدی است؛ اما پژوهش‌هایی مرتبط با این موضوع در حیطه زمانی عصر صفوی نگارش یافته‌اند که عبارتند از:

- ۱- نزهت احمدی، رویا و سیاست در عصر صفوی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸.
- ۲- یوسف رحیم لو، «خواب دیدن در سنت و سیاست صفویان»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۱، پائیز ۱۳۷۴، ص ۱۱۳.
- ۳- شعله کوین، رویاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی، ترجمه منصور چهارزی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۷ و ۳۸، آذر ۱۳۷۹، ص ۶۴.
- ۴- شعله کوین، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ترجمه منصور صفت گل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۵. همان، ص ۱۲.
۵. همان، ص ۱۴.

اینک خلاصه شرح خواب مذکور از رساله منامیه: «جناب أفضل المتأخرین شیخ زین العابدین مجتهد... در شب بیست و دوم شهر رمضان المبارک توشقان ثیل سنه ۱۲۸۴ ق. در کربلای معلی در عالم رویا دیدم که حضرت سید الانبیاء والمرسلین و خاتمهم رسول رب العالمین تشریف شریف در مجلس دارند و بعد از آن حضرت مولای متقیان با یازده نفر از ذریه طاهره آن حضرت تشریف آوردند در آن مجلس، و خدمت آن حضرت مشرف شده، نشستند. بعد از آن حضرت رسول خدا فرمایش فرمودند که سرکار ناصرالدین شاه قاجار پادشاه اسلام پناه را بیاورید. بعد آن حضرت به مولای متقیان امیرمؤمنان فرمودند که التفاتی درباره ناصرالدین شاه لازم است؛ لهذا شمشیری بر کمرش ببندید که مظفر و پیروز شود. حضرت امیرالمومنین علیه السلام شمشیری از کمر خود باز کرده به دست حضرت امام حسن علیه السلام دادند و آن حضرت به دست حضرت امام حسین علیه السلام و هم چنین آن حضرت دست به دست به حضرات ائمه هدی علیهم السلام دادند تا به دست مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسید، آن حضرت آن شمشیر را به کمر بند سرکار ناصرالدین شاه بسته بعد از آن، شاه نگاهی به حضرت حجه الله علیه السلام نمود و به خدمت حضرت رسول خدا عرض کردند که حضرت حجه الله التفاتی به بنده فرمودند. از حضرات ائمه هدی همگی التفاتی به بنده شده است و از آن حضرت نشده. حضرت رسول خدا فرمودند حال آن حضرت التفات جداگانه می نمایند و حضرت حجه الله بعد از استماع فرمایش آن حضرت برخاسته و شمشیری از کمر بند خود باز کرده و به دست مبارک بر روی شمشیر اول بسته و فرمودند یک اسبی از برای سرکار شاه بیاورید، اسبی آوردند و حضرت حجه الله علیه السلام برخاسته زیر بغل شاه را گرفته سرکار شاه را سوار کردند و فرمودند برو که مظفر و منصور خواهی بود. این است رویای آن جناب.»^۶

و حالا شرح و تعبیر راز از خواب مذکور: «اولاً اینکه جناب شیخ مجتهد دیده اند که به حکم حضرت رسول خدا، حضرت امیرالمؤمنین شمشیر خود را از کمر خود باز فرموده و به حضرات ائمه هدی علیهم السلام یاداً به یاداً داده تا حضرت امام حسن عسکری آن را بر کمر بند مبارک سرکار اقدس شهریارى دَام ظلاله بسته اند، دلیل بر آن است که چون حضرت رسول خدا در باطن، حافظ بیضه اسلام و ممالک اسلام اعم از ممالک شیعه و سنی می باشد، زیرا که اهل سنت هم اقرار به دو کلمه توحید و نبوت را دارند، می باید امر ممالک شیعه و

سنّی هردو در کفّ کفایت و قبضه درایت اعلی حضرت ظلّ الهی درآید و سلطان و حکم فرما در ممالک هردو طایفه شوند و اینکه آن حضرت به حضرت امیرالمؤمنین فرموده که التفاتی در حق سرکار ناصرالدین شاه لازم است؛ لهذا شمشیری بر کمرش ببندید که مظفر و منصور گردد، این فرمایش از آن حضرت دلیل بر آن است که خصمی از اهل سنت در مقابل آن سرکار خواهد آمد؛ ولیکن به تأیید آن حضرت و حضرات ائمه هدی -علیهم السلام- که حافظ بیضه اسلام در باطن اند، سرکار پادشاه اسلام پناه، که حافظ بیضه اسلام در ظاهر اند، می باید مظفر و منصور گردند و غالب شوند بر عادی خود از اهل سنت؛ به توجه همت از باطن آن حضرات و به سبب داخل بودن حضرت رسول خدا در حکم بستن شمشیر که وجود شریفش مربی تمام اهل اسلام است، معلوم می شود که بعضی از ممالک سنت بر ممالک شیعه اثنی عشریه افزوده می شود... و اما عرض سرکار اقدس شهریار خدمت رسول خدا و استدعای التفات از حضرت حجه الله نسبت به خود کردن و بستن حضرت حجه الله شمشیر خود را بر کمر بند سرکار اقدس شهریار -دام ظلّله-، دلیل است بر تقویت کردن آن حضرت به سرکار اقدس در امور ممالک شیعه، یعنی ایران آنچه تصرف دارند، و آنچه از تصرف بیرون رفته است؛ یعنی تمام ایران باید به تصرف درآید و آوردن اسب به امر حضرت حجه الله و سوار کردن آن حضرت سرکار اقدس همایون شهریار را دلیل بر آن است که حضرت حجه الله در تمام امور ممالک ایران و شیعه، خواه تصرفی و خواه غیر تصرفی، سرکار اقدس شهریار را تقویت و امداد می فرمایند و مسلط می سازند که سوار می شوند بر امور ممالک شیعه بالتمام؛ و آن اسب اشاره است به وزیر با فطانت و کیاست و تدبیری که آن حضرت خود از برای سرکار اقدس شهریار مقرر فرموده... سرکار پادشاهی... فرموده که وزیر مملکت و شخص اول ایران می باید... آقای مستوفی الممالک -دام الله عزته- قرار فرمایند... و عبارت آن حضرت که «برو مظفر و منصور خواهی شد»، اشاره به آن است که در تمام غزوات با اعدا و مخالفان خود اعم از اهل سنت و مخالفان فرنگان، مظفر و منصور خواهد بود به همت امام... و اما حکایت آنکه امام حسن عسکری شمشیر را بر کمر سرکار اقدس شهریار بستند نه دیگری از ائمه، اشاره بزرگی است بر مطلب عظیمی به جهت آنکه حضرت ملقب شدند به عسکری چون عسکر الهی را به خلیفه نشان دادند.»^۷

چند موضوع اساسی که در کتاب مطرح شده و بعضاً پاسخ هم داده شده، عبارت اند از: اول

اینکه آیا اصل نامه مجتهد مازندرانی در دست است؟ پاسخ کتاب این است: کوشش ما برای یافتن اصل ثبت‌شده خواب شیخ زین‌العابدین به جایی نرسیده‌است. اگر واقعاً چنین خوابی دیده‌شده و توسط خود شیخ و به خط و مهر خود او ثبت‌شده و برای شاه فرستاده‌شده‌باشد، می‌توان امیدوار بود که در آینده در زمره اسناد بیوتات و یا جاهای دیگر به دست‌آید. تا هنگامی که چنین متنی به دست نیامده‌باشد، اصالت روایت خواب شیخ با پرسش روبرو خواهد بود. به ویژه اینکه در هیچ‌یک از آثار و اخبار مربوط به شیخ هیچ رد و نشانی از این خواب ندیده‌ایم.^۸ این جملات اخیرالذکر آغاز طرح یک ابهام اساسی در رابطه با این رویاست. به شهادت کتاب و با استناد به روزنامه‌های دولتی معاصر این واقعه و رخداد‌های بعدی چون سفر ناصرالدین‌شاه به کربلا و ملاقات با شیخ مجتهد مازندرانی،^۹ و همچنین انعکاس خبر وفات شیخ در شماره ۷۷۶ روزنامه ایران،^{۱۰} هیچ اشاره‌ای حتی گذرا و کوچک به خواب مذکور دیده‌ نمی‌شود. این در حالی است که در مقدمه کتاب نویسندگان به موارد متعددی از رویاهای ناصرالدین‌شاه که توسط خود او یا اعتمادالسلطنه نقل شده، با مضامینی چون رویای شیخ مجتهد مازندرانی یاد میکنند.^{۱۱} و این مسئله، یعنی فقدان شرح رویای شیخ در منابع عصر قاجار برای خود نویسندگان هم در حد یک معما باقی می‌ماند: «اما نکته درخور توجه این است که در گزارش این خواب‌ها چه در یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه و چه در خاطرات اعتمادالسلطنه، علیرغم تناسب و همانندی‌ای که با خواب شیخ زین‌العابدین مجتهد دارند، هیچ یادی از آن خواب نمی‌شود و از تعبیری که راز از آن کرده و به شکست شورش شیخ عبیدالله انجامیده و طبق آن تعبیر و شرح پیوست منامیه از مجدالاشراف نشانه‌ای دیگر از تأیید شرعی سلطنت شاه و امداد غیبی به او بوده‌است، کمترین ذکری به میان نمی‌آید! چرا خوابی به اهمیت خواب شیخ به این آسانی فراموش‌شده و مورد غفلت قرار گرفته‌است؟! این برای ما یک معماست!»^{۱۲}

علاوه بر اینکه در منابع عصر قاجار یادی از این خواب نمی‌شود، از تعبیر آن هم جز در

۸. همان، ص ۱۵.

۹. همان، ص ۱۹.

۱۰. همان، صص ۲۰-۲۱.

۱۱. نک: صص ۲۲-۲۶.

۱۲. همان، ص ۲۶.

رساله منامیه و شرح آن، متن دیگری در دست نیست. و حالا پرسش دیگر که در کتاب مطرح شده این است که چرا خواب را خود شیخ تعبیر نکرده و پس از وصول احتمالی صورت خواب از کربلا به تهران، به چه دلیل شرح و تعبیر آن را به راز سپرده‌اند؟ اگر فرض بر این باشد که راز مورد قبول و وثوق شخص شاه بوده، که باید گفت چنین نبوده و گویا سال‌ها در تلاش برای دیدار با شاه بوده و در متن رساله نیز این مورد انعکاس یافته‌است،^{۱۳} نویسندگان کتاب یک احتمال را برای این انتخاب مطرح کرده‌اند: آیا وابستگان ذهبی در درون دستگاه دولت از روی عمد و آگاهی خواب را برای تعبیر به نزد راز، و نه هیچ کس دیگر، فرستاده‌اند تا او موافق و متناسب با اهداف و اغراض خاص آنان تعبیر کند و از این راه به تحکیم موقعیت مریدان خود در دستگاه دولت کمک کند و همچنین وسیله و زمینه‌ای برای تقرّب خود به شاه فراهم سازد؟ می‌دانیم که میرزا یوسف خان مستوفی الممالک، از رجال و وزرای متنفذ این دوران که سرانجام به مقام صدارت ناصرالدین شاه نیز می‌رسد، در زمره مریدان و سرسپردگان ذهبیه بوده و از نفوذ و اقتدار خویش برای گسترش دایره نفوذ خانقاه ذهبی بهره می‌گرفته‌است. چنین می‌نماید که میرزا فرخ خان امین‌الدوله نیز در زمره ارادتمندان و هواداران ذهبیه بوده‌است. وی که از روزگار فتح‌علی شاه جزو پیشخدمتان خاصه و در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه در زمره خواص و محارم و معتمدین شاهان قاجار بود، از یکی دو دهه پیش از این، وظیفه دادن عرایض علما و شاهزادگان به شاه را نیز برعهده گرفته بود. احتمالاً با توجه به همین سابقه بود که روایت مکتوب و ممهور رویای شیخ زین‌العابدین مجتهد توسط او به شاه عرضه می‌شد و چه بسا او پس از رایزنی با مستوفی الممالک آن را پیش از عرضه به شاه برای تعبیر به نزد ابوالقاسم راز فرستاده‌است. به هر حال اگر هم قصد و غرض خاصی از سوی اینان در انتخاب راز به عنوان معبر خواب شیخ در کار نبوده باشد، آنچه که در عمل اتفاق افتاد به سود راز و ذهبیه بوده‌است. به دیگر سخن، تعبیر خواب شیخ افزون بر تأیید مشروعیت سلطنت ناصری به وسیله‌ای برای تبلیغ تصوف ذهبی و به ویژه مشروعیت الهی مقام و منصب کسی چون مستوفی الممالک که مرید ذهبیه بوده‌است، تبدیل گردیده و آشکارا او را مورد تأیید و برگزیده امام زمان عنوان کرده‌است.

کتاب مقدمه‌ای بر رویاشناسی تاریخی از دو جهت حائز اهمیت است؛ یکی موضوع کتاب و دیگری روش انجام آن. مطالعات مربوط به خواب‌شناسی در حوزه تاریخ در زبان فارسی البته

نویاست؛ اما پژوهش‌هایی که اخیراً در این رابطه انجام شده نشان از آن دارد که اقبال به این موضوع در نزد محققان ایرانی در حال افزایش است. موضوع کتاب فارغ از چگونگی پرداخته شدن به آن، به جهت نو و تازه بودن دارای اهمیت است. و اما همان‌طور که در آغاز کلام نیز به آن اشاره‌ای داشتیم، ابداع یک مفهوم و استفاده کردن از آن برای تحلیل یک متن تاریخی و بررسی متن در بافت تاریخی آن، ویژگی اصلی روش پژوهش کتاب مقدمه‌ای بر رویا شناسی تاریخی را تشکیل می‌دهد. و اما در باب پرسشی که در کتاب مطرح شد و ما قبل‌تر به آن پرداختیم، باید گفت که ضمن خلق یک ابهام پیرامون اصالت موضوع کتاب، پاسخی برای آن در نظر گرفته نشده است. آیا این بر عهده نویسندگان نبوده که این ابهام اصلی را از پیش روی خوانندگان بردارند؟